



### جیغ تغییر اقلیم در پس زمینه بحران کرونا

مارگارت سالامون آرزو دارد ترس دسته‌جمعی از کرونا به تحولات اقلیمی هم برسد

درحالی‌که هر روز حوالی ساعت ۱۳:۴۰منتظر هستیم تابانگرانی اخبار مبتلایان به ویروس کرونا و تعداد فوت‌شدگان را بشنویم، هستنداندیشمندانی که نگرانی‌های دیگری دارند و اتفاقات ترس مانسبیت به کرونااستقبال کرده و خواهان بسط آن به عرصه‌های دیگر هستند.مارگارت کلاین سالامون از همین دسته‌افراد است. او بیش از کرونانگران تغییرات اقلیمی و تأثیرات مثبت و منفی کرونا بر آن است و آرزو می‌کند مردم در جهان بساکرونا به اندازه شیوع کووید۱۹نگران پیش‌روی‌های تغییرات اقلیمی باشند. آنچه در ادامه می‌خوانید تلخیص گوشه‌ای از مقاله پیتربیکر در روزنامه گاردین است که در ضمن تحلیلی از جهان پساکرونا به شرح‌نگرانی‌های سالامون از تغییرات اقلیمی و تأثیر مثبت و منفی کرونا بر این تغییرات می‌پردازد:اگر مشتاق متن کامل این مقاله بودید، می‌توانید آن را در وب‌سایت ترجمان بیابید.

صدای تغییر اقلیم مثل جیغ ازهرقی در پس‌زمینه اپیدمی کرونا شنیده می‌شود. ویروس کووید۱۹ بزرگ‌ترین بحران جهانی از جنگ جهانی دوم به بعد است، اما از منظر اثرات درازمدتش نمی‌تواند در برابر تغییر اقلیم قدعلم کند، ولی این دو مورد، شباهت‌های جالبی دارند. هر دو مستلزم حدزنی‌ادی از همکاری جهانی‌اند. هر دو نیازمند تغییر رفتار امروز ما هستند تا رنج فرایمان کمتر شود. دانشمندان از مدت‌ها پیش با دقت زیادی هر دو مسئله را پیش‌بینی کرده بودند و حاکمانی که نمی‌توانند چیزی فراتر از آمارهای رشد فصل بعدی سال مالی را ببینند، نادیده‌شان گرفتند. بر همین اساس، هر دو مورد حکومت‌ها باید اقدامات فوق‌العاده‌ای کنند و منطق بازار را از برخی وادی‌های فعالیت بشر کنار بگذارند و در عین حال سراغ سرمایه‌گذاری دولتی بروند، به بیان دیگر، اگر این سطح جدید مداخله دولتی را یک اجبار موقتی بشماریم، یعنی تضمین کرده‌ایم که کم‌کمان به سمت فاجعه اقلیمی می‌شتابیم.

مارگارت کلاین سالامون، روانشناس سابق که اکنون رئیس یک گروه کنش‌گر به نام بسیج اقلیمی است، می‌گوید: «سال‌هاست که تلاش کرده‌ایم مردم را از حالت عادی خارج و به حالت اضطراری وارد کنیم. وقتی تعداد زیادی از مردم وارد حالت اضطراری شوند و اساساً پدیدبرند که خطری در کار است و اگر بخواهیم در امان باشیم باید هرچه از دستمان برمی‌آید، بکنیم، دایره ممکنات در وادی سیاست از بیخ و بن تغییر می‌کند و جالب است که می‌بینیم واکنش حکومت‌ها به ویروس کرونا، مؤید پیش‌بینی‌های این نظر به است. اکنون با چالش دیگری مواجهیم: این حالت اضطراری را در باب تغییر اقلیم که خطرناک‌تر هزاران بار عظیم‌تر است، فعال نگه داریم. نباید فکر کنیم که فرار است به حالت عادی برگردیم، چون وضعمان عادی نبوده است.»

قیاس میان دو بحران در همین حد متوقف می‌شود. از این حقیقت گریزی نیست که تأثیرات تغییر اقلیم، تدریجی‌تر از ویروس کروناست. اکثر مردم احساس نمی‌کنند که خودشان یا عزیزانشان همین ماه در اثر تغییر اقلیم جان می‌دهند، لذا فعال کردن حالت اضطراری و نگه داشتنش دشوارتر است. همانطور که سالامون برایم خاطر نشان کرد، اگر حقیقتاً می‌پذیرفتیم در یک وضعیت اضطراری اقلیمی هستیم، آنگاه سرخط خبرهای هر روز این بود که کدام کشورها با سرعت بیشتری انتشار الاینده‌هایشان را کاهش داده‌اند و مردم مصرانه مطالبات خود را ابراز می‌کردند تا رهبرانشان سیاست‌های کارآمدی را اتخاذ کنند. ولی بعداست تجربه ویروس کرونا بتواند کمکمان کند که جور دیگری به تغییر اقلیم نگاه کنیم. از آنجا که ویروس باعث کاهش فعالیت صنعتی و ترافیک جاده‌ها شده، آلودگی هوا کاهش یافته است. در اوایل ماه مارس، مارشل برک (دانشمند و استاد دانشگاه استنفورد) با استفاده از داده‌های آلودگی چهار شهر چینی، تغییرات میزان ریزآلاینده‌های PM۲.۵ را اندازه گرفت. این اندازه، آلاینده‌های بسیار خطرناکی هستند که به قلب و ریه حمله‌ور می‌شوند. او برآورد کرد که فقط در چین، کاهش انتشار آلاینده‌ها زمان شروع بیماری، عملاً جان حداقل ۲۵هزار و ۴۰۰ کودک زیر پنج سال و ۵۲هزار و ۷۰۰ بزرگسال بالای ۷۰ سال را نجات داده است. در همین میانه، مردم سراسر دنیا هم در وب روایت یافته‌هایشان (ماجرای نسیم‌های خوش‌بو، گسترش خطوط دوچرخه‌سواری و بازگشت صدای پرندگان به محله‌هایشان) را منتشر کرده‌اند، گویی یک نسخه تازخ‌شده دیجیتالِ از پروژه ریکا سولنیوت رخ داده است: مردمی که در کبجوخه یک فاجعه، نگاهی زندگی به آینده‌ای می‌اندازند که می‌دانند آن را می‌خواهند و لازم دارند.

در کنار این علامت‌های امیدبخش،ماجرای دیگری هم در حال وقوع است که چندان دلگرمی نمی‌دهد و آن لغو همان قوانین نصفه‌نیمه موجود که برای حفاظت از محیط‌زیست تدوین شده بودند. روز ۲۶ مارس، پس از لابی‌های صنعت انرژی، آژانس حفاظت از محیط‌زیست ایالات متحده اعلام کرد که نظر به تأثیرات این بیماری بر نیروی کار، این آژانس تخطی از مقررات آلوده‌سازی محیط‌زیست را تنبیه نخواهد کرد، به شرط آنکه شرکت‌ها بتوانند نشان دهند که تخطی‌شان به این بیماری گره خورده است. وزارت محیط‌زیست چین هم لغو موقت بازرسی‌های ر‌ا آغاز کرده است که تأثیر زیست‌محیطی کارخانه‌های صنعتی را ارزیابی می‌کنند و گروه‌های هواداری که از صنعت پلاستیک‌سازی پول می‌گیرند، نیز یک بیماریان روابط عمومی را در دفاع از کیسه‌های پلاستیکی یکبار مصرف آغاز کرده‌اند و این ادعای اثبات‌نشده را نشر می‌دهند که احتمال چسبیدن ویروس به پلاستیک کمتر از کیسه‌های پارچه‌ای چندبار مصرف است. به‌اعتقاد سالامون، یکی از درس‌هایی که بحران ویروس کرونا به ما می‌آموزد، قدرت عواطف مشترک ماست که کمک کرده‌است اقدامات رادیکال سیاسی‌ای انجام شوند تا شیوع این بیماری عالم‌گیر کند گردد: «من درباره این حرف نمی‌زنم که مردم به همدیگر کمک تخصصی پزشکی کنند. من درباره این حرف می‌زنم که مردم با هم تماس می‌گیرند و می‌گویند: حالت چطور است؟ ترسیده‌ای؟ من هم ترسیده‌ام. می‌خواهم حالت خوب باشد، می‌خواهم حاملان خوب باشم. در زمینه اقلیم نیز به همین نیاز داریم. باید ترس دسته‌جمعی را یاد بگیریم و به توافق برسیم که از چه ترسیده‌ایم.» به گفته او، فقط در چنین صورتی است که حکومت‌ها مجبور به اقدام می‌شوند: «خوب است که در باب این بیماری، در حال وارد شدن به حالت اضطراری هستیم. ولی اگر همین کارا را برای اقلیم هم نکنیم.» او جمله‌اش را تاتمام گذاشت.

#### کارت درک سید میثم میر تاج‌الدینی

**کارت درک**

**سید میثم میر تاج‌الدینی**

گذری بر استقبال مخاطبان ایرانی از لایوهای رکیک و زرد ایام قرنطینه

## ردپای اندیشه‌های «روسو» در پلشتی‌های شبکه‌های اجتماعی



**کشیده شد. از همین رو در مقاله پیش‌رو در پی آن هستیم که در بایبم چرا و بر اساس کدام تحول فکری جامعه‌باحیای ایرانی در شبکه‌های اجتماعی بدین سو کشیده شده که نه‌تنها پذیرای چنین گفتارهایی است، بلکه با لایک‌های خود از آن استقبال نیز می‌کند. به نظر می‌رسد این روند حاصل همان تفکرات دوران مدرن است که در غرب مسیحی از لوتر و روسو آغاز شد و حالا در ایران با مبلغان مذهبی‌ای که مار تین لوتر اسلام شده‌اند، بسط می‌یابد.**

شاید از مهم‌ترین تبعات کرونا به‌عنوان بحرانی جهانی، بتوان به توسعه و همه‌گیر شدن فضای مجازی در میان همه اقشار و از دید وقت‌گذرانی در این عرصه اشاره کرد. فهم این موضوع چندان سخت نیست، به‌طوری‌که اینفلوئنسرهای مجازی را با کمترین سطح آگاهی به این نتیجه رسانده تا با تمام قوا و ظرفیت، ورود کرده و از این بستتر آماده، بیشترین بهره را ببرند. این فرصت طلاسی به آنها این امکان را می‌دهد که در دنیای پساکرونا حکومت مجازی خود را که در این روزها به بالاترین میزان سلطه و سیطره رسیده، توسعه دهند و تمامی رقبای فرهنگی خود را از میدان خارج نموده و تضمینی قوی‌تر برای ادامه حیات مجازی و تقویت حکومت خود بیابند. شاید ماجرای لایوهای اینستاگرامی را بتوان در امتداد همین فرصت‌طلبی دانست و از همین زاویه تحلیل کرد، اما سؤالی که می‌تواند زمینه‌ساز یافتن نقشه راهی برای اخذ و به‌کارگیری سیاست‌های مقابله با جریان‌های فسادانگیز در بستر مجازی باشد، این است که آیا جهان شاهد تولد هویت و طبقه‌ای جدید است که به‌زودی همچون ویروس کرونا به دیگر هویت‌ها سرایت کرده و برای طریقه خود از دل تمامی اقشار جامعه عضوگیری می‌کند؟

**■ ارزشمندی درون انسان در دوران مدرن**
برای پاسخ به این سؤال نیازمند یک تعریف از این پیشوایان مجازی هستیم که با رد کردن خطوط قرمز جوامع انسانی و بی‌اعتنایی به قواعد و هنجارهای اجتماعی مخاطب میلیونی را پای صحبت‌های رکیک و محافل فسادآلود خود می‌کشاند. آنها چه کسانی هستند؟ قطعاً اسم و رسم شناسنامه‌ای و پرده‌پرداری از زندگی شخصی آنها جز تکثیر مطالب زرد، هیچ دردِی را دوآ نکرده و هیچ پاسخ درخور توجهی را به سؤال ما نمی‌دهد. پس در تحلیل این چیستی و یافتن هویتی که احتمال تکثیر ویروس گونه‌ان می‌رود، چه باید کرد؟

فرانسسیس فوکویاما در تازه‌ترین کتاب خود که به فارسی نیز ترجمه شده است، طی تحلیلی پیرامون هویت، اشاره دارد که در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که خود را با جامعه نامناسز یافته‌اند، اما تنها در دوران مدرن این نگاه غالب شده که آنچه در درون انسان می‌گذرد اصیل و ارزشمند است؛ یعنی درون انسان لازم نیست خود را با قواعد اجتماعی همساز کند، بلکه این اجتماع است که باید تغییر کند. شاید این تغییر افراطی دنیای مدرن از اصالت و ارزش بخشیدن به دنیای درون انسان ، پاسخی به تغر بی‌نگرش جوامع مسیحی درباره دنیای درون در اعصار گذشته باشد؛ چراکه مسیحیت اروپا معتقد بود انسان ذاتا و به صورت بالفطره گناهکار است و دنیای درون او لبریز از تمنیات و خواهش‌های زشت نفسانی است که باید با اهرم قناعت، احکام و شرایع مسیحیت، سرکوب



شاید از مهم‌ترین تبعات کرونا به‌عنوان بحرانی جهانی، بتوان به توسعه و همه‌گیر شدن فضای مجازی در میان همه اقشار و از دید وقت‌گذرانی در این عرصه اشاره کرد. فهم این موضوع چندان سخت نیست، به‌طوری‌که اینفلوئنسرهای مجازی را با کمترین سطح آگاهی به این نتیجه رسانده تا با تمام قوا و ظرفیت، ورود کرده و از این بستتر آماده، بیشترین بهره را ببرند. این فرصت طلاسی به آنها این امکان را می‌دهد که در دنیای پساکرونا حکومت مجازی خود را که در این روزها به بالاترین میزان سلطه و سیطره رسیده، توسعه دهند و تمامی رقبای فرهنگی خود را از میدان خارج نموده و تضمینی قوی‌تر برای ادامه حیات مجازی و تقویت حکومت خود بیابند. شاید ماجرای لایوهای اینستاگرامی را بتوان در امتداد همین فرصت‌طلبی دانست و از همین زاویه تحلیل کرد، اما سؤالی که می‌تواند زمینه‌ساز یافتن نقشه راهی برای اخذ و به‌کارگیری سیاست‌های مقابله با جریان‌های فسادانگیز در بستر مجازی باشد، این است که آیا جهان شاهد تولد هویت و طبقه‌ای جدید است که به‌زودی همچون ویروس کرونا به دیگر هویت‌ها سرایت کرده و برای طریقه خود از دل تمامی اقشار جامعه عضوگیری می‌کند؟

**■ ارزشمندی درون انسان در دوران مدرن**
برای پاسخ به این سؤال نیازمند یک تعریف از این پیشوایان مجازی هستیم که با رد کردن خطوط قرمز جوامع انسانی و بی‌اعتنایی به قواعد و هنجارهای اجتماعی مخاطب میلیونی را پای صحبت‌های رکیک و محافل فسادآلود خود می‌کشاند. آنها چه کسانی هستند؟ قطعاً اسم و رسم شناسنامه‌ای و پرده‌پرداری از زندگی شخصی آنها جز تکثیر مطالب زرد، هیچ دردِی را دوآ نکرده و هیچ پاسخ درخور توجهی را به سؤال ما نمی‌دهد. پس در تحلیل این چیستی و یافتن هویتی که احتمال تکثیر ویروس گونه‌ان می‌رود، چه باید کرد؟

فرانسسیس فوکویاما در تازه‌ترین کتاب خود که به فارسی نیز ترجمه شده است، طی تحلیلی پیرامون هویت، اشاره دارد که در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که خود را با جامعه نامناسز یافته‌اند، اما تنها در دوران مدرن این نگاه غالب شده که آنچه در درون انسان می‌گذرد اصیل و ارزشمند است؛ یعنی درون انسان لازم نیست خود را با قواعد اجتماعی همساز کند، بلکه این اجتماع است که باید تغییر کند. شاید این تغییر افراطی دنیای مدرن از اصالت و ارزش بخشیدن به دنیای درون انسان ، پاسخی به تغر بی‌نگرش جوامع مسیحی درباره دنیای درون در اعصار گذشته باشد؛ چراکه مسیحیت اروپا معتقد بود انسان ذاتا و به صورت بالفطره گناهکار است و دنیای درون او لبریز از تمنیات و خواهش‌های زشت نفسانی است که باید با اهرم قناعت، احکام و شرایع مسیحیت، سرکوب

## اندیشه

##### ملاقچه



### پیام آوری کرونا

**حجت‌الاسلام سوزنجی در تازه‌ترین سخنرانی خود کرونا را پیام آوری جدید برای بشر می‌خواند**

حجت‌الاسلام دکتر حسین سوزنجی، هیئت علمی پژوهشگاه باقرالعلوم (ع) که از چهره‌های جوان عرصه اندیشه در کشور است به تازگی بحتی را با عنوان «ایه‌شناسی کرونا» آغاز کرد. او هر روز در نمازخانه دانشگاه باقرالعلوم (ع) بخشی از این بحث را ارائه می‌دهد که همزمان از طریق پخش زنده آپارات و نرم‌افزار اسکایپ به اشتراک گذاشته می‌شود.
حجت‌الاسلام سوزنجی در نخستین جلسه ضمن اشاره به روایتی از پیامبر اکرم (ص) که علم را به دو بخش «علم الادیان» و «علم الأبدان» تقسیم می‌کند، شرح می‌دهد که با احترام و صحه بر آنچه متخصصان «علم‌الأبدان» در ستاد مقابله با کرونا بیان می‌کنند، از این حیث که در هر چیزی نشانه‌ای برای مؤمنان وجود دارد، کرونا را پیامبری جدید برای بشر می‌داند و قصد دارد در این سلسله جلسات کوتاه به بحث حول این ویروس از منظر «علم الادیان» بپردازد.

او معتقد است: «تفاوت مهمی بین نگاه اسلامی و نگاه غربی وجود دارد؛ در فضای غرب یک دوره، دوره سیطره کلیساست؛ یعنی فقط نگاه ماورایی به امور حاکم است و برای همین محور اصلی کارها ترک دنیا و رهبانیت است و وقتی که نگاه دنیوی در دوران مدرنیته می‌آید، کلاسگاه ماورایی کنار می‌رود، اما ما در اسلام اینطور نبوده‌ایم که یکی را بگیریم و دیگری را منکر شویم، ما هم معتقدیم مسائل بهداشتی، سلامت و بدن خوب است و باید رعایت شود و هم می‌خواهیم بحثی ماورایی و معنوی به قضیه داشته باشیم.»

حجت‌الاسلام سوزنجی همچنین در خصوص پیامبری کرونا توضیح می‌دهد: «ما در ذهنمان این است که پیامبر فقط اشخاصی هستند که متنی و پیامی را از جانب خدا برای بشریتی می‌آورند، اما آیا فقط پیامبر خدا، اینها هستند؟ اگر به قرآن بنگرید متوجه می‌شوید که خداوند شبیه همین تعبیری که در مورد پیامبران دارد مثلاً در مورد پیام ما هم دارد و در سورع اعراف آیه ۵۷ می‌فرماید: **﴿هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّیَاحَ بُشْرًا﴾** یعنی باد بشارت‌دهنده است و همان آدم که پیامبران انجام می‌دادند، انجام می‌دهد. پس رسول خداوند فقط آدم‌ها نیستند و هر چیزی برای ما نشانه و مرسلی است که تنها کافی است ما چشمانمان باز کنیم.»

علاقه‌مندان به بحث حجت‌الاسلام سوزنجی می‌توانند هر روزه این بحث را علاوه بر آپارات و اسکایپ در کانال شخصی ایشان در پیام‌رسان اینتا دنبال کنند.

##### روزنه



شهید مطهری؛

### حل معضلات اجتماعی رف منشأر می‌خواهد نه موعظه

اسناد شهید مرتضی مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام ذیل عنوان «عوامل تربیتی» در اهمیت حل ریشه‌ای معضلات اجتماعی می‌فرماید:

زن را در قدیم مشهور بودند که زیاد غیبت می‌کنند. شاید این به‌عنوان یک خلصت زنانه معروف شده بود که زن طبیعتش این می‌باشد و جنساً غیبت‌کن است، در صورتی که چنین چیزی نیست، زن و مرد فرق نمی‌کنند. علش همه کارهایش را کلفت و نوکر انجام می‌داد، هیچ شغلی و کاری، نه داخلی و نه خارجی نداشت، صبح تا شب باید بنشیند و هیچ کاری نکند، کتاب هم که مطالعه نمی‌کرده و اهل علم هم که نبوده، باید یک زن هم شأن خودش پیدا کند، با آن زن چه کنند؟ راهی غیر از غیبت کردن به رویشان باز نبوده و این برایشان یک امر ضروری بوده؛ یعنی اگر غیبت نمی‌کردند واقعاً بدبخت و بیچاره بودند.

یک وقتی در آن انجمن ماهانه داستانی نقل کردم که از روزنامه گرفته بودم. نوشته بود در یکی از شهرهای کوچک ایالت فیلادلفیای آمریکا در خانواده‌ها قمار آنقدر رایج شده بود که زن‌ها به آن عادت کرده بودند و در خانه‌ها به صورت یک بیماری رواج یافته بود. آن مرد علت را تشخیص داده و فهمیده بود که علت قمار ندارند. اول این را به عهده واعظ‌ها گذاشتند که آنها این بیماری را از سر مردم بیرون ببرند، ولی آخر بیماری علت دارد؛ تا علتش از میان نرود که بیماری از بین نمی‌رود. واعظ‌ها شروع کردند به موعظه در زبان‌های قمار و آثار اخروی آن، ولی اثر نداشت.

یک شهردار پیدا شد و گفت که من این بیماری را معالجه می‌کنم. آمد کارهای دستنی از قبیل یافتنی را تشویق کرد و برای زن‌ها مسابقه‌های خوب گذاشت و جایزه‌های خوب تعیین کرد. طولی نکشید که زن‌ها دست از قمار کشیده و به این کارها پرداختند. آن مرد علت را تشخیص داده و فهمیده بود که علت پرداختن زن‌ها به قمار، بیکاری و احتیاج آنها به سرگرمی است. کار دیگری برایشان به وجود آورد تا توانست قمار را از میان ببرد. یعنی در واقع یک خلأ روحی در میان آنها وجود داشت و آن خلأ منشأ این گناه بود. آن آدم فهمید که این خلأ را باید پر کرد تا بشود قمار را از بین برد و تا آن خلأ به وسیله دیگری پر نشود، نمی‌توان آن را از میان برداشت. این است که یکی از آثار کار، جلوگیری از گناه است. البته نمی‌گویم صدرصد اینطور است، ولی بسیاری از گناهان منشأش بیکاری است.

منبع: کتاب تعلیم و تربیت در اسلام صفحه ۲۸۱